

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه براء (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۱/۰۲/۹۸

بیان آخرت در سوره سباء از حیث غیب بودن و باطن آن

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهٗ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ (۱) يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمٰوٰتِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا وَهُوَ الرَّحِيْمُ الْغَفُوْرُ (۲)

برخی از سوره‌ها به طور واضح در مورد آخرت است، مانند سوره مبارکه نمل. مفهوم آخرت با مفهوم قیامت تفاوت‌هایی دارد. قیامت ناظر به عالمی است که بعد از حیات دنیا، اقامه می‌شود و ناظر به بعث و حشر و جهنم و بهشت است که در آن اتفاق می‌افتد اما آخرت الزاماً با این موارد همراه نیست. آخرت مفهوم اعم است و عام‌تر است! گویی باطن دنیا است. سوره مبارکه روم به این موضوع اشاره دارد. سوره مبارکه نمل، تاثیرات آخرت‌گرایی را مطرح می‌کند و سوره روم نقش دین و وعده‌های الهی در تحقق این آخرت‌گرایی یا چگونگی آن را مطرح می‌کند. سوره مبارکه سباء بحث آخرت را به طور ویژه از حیث غیب بودن و باطن بودنش مطرح می‌کند. سوره سباء را در مقایسه با دیگر سوره‌های نمل و روم که یکی آثار آخرت‌گرایی را مطرح می‌کند و دیگری شیوه آخرت‌گرایی را بیان می‌کند، سوره سباء بیشتر به چیستی و ماهیت و قوانین حاکم بر آخرت اشاره دارد و آیات این سوره خیلی قانون‌محور و قانون‌گرا است. به همین دلیل نوع گفتن‌های سوره متفاوت است. مثلاً اگر بخواهد از رویش گیاه بگوید از نزول آب از آسمان می‌گوید و در بیانش هم غیبی‌گرایی و قانون‌مداری وجود دارد. آیه ۲ در این خصوص خیلی شاخص است.

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَأْتِيْنَا السَّاعَةُ قُلْ بَلٰی وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ وَلَا اَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْبَرُ اِلَّا فِي كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ (۳) لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اَوْلٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ (۴)

سوره‌هایی که چنین وضعیتی دارند، اولین کاری که برای انسان انجام می‌دهند، عمیق‌تر کردن رویت و نگاه انسان است. خیلی سوره‌های عجیب و جالبی برای تقویت دیدن هستند. این سوره‌ها برای تعریف‌سازی و تغییر تعاریف در سبک زندگی مفید هستند. آیات سه و چهار، جهت اصلاح تعاریف هستند.

در این دو آیه بن و ریشه کار خوبی که انسان را به جزایی می‌رساند، بیان شده است که این بن و ریشه و ذات مغفرت و رزق کریم است. این خیلی حرف عظیمی است که بن ثواب کار خوب، مغفرت و رزق کریم است.

مغفرت یعنی انسان اثری از نواقص و محدودیت‌هایش باقی نماند و **رزق کریم** یعنی دریافت عالمانه باشکوهی از حقایق داشته باشد. حقیقت بهشت یا هر جزایی که نزد خداست، مغفرت و رزق کریم است.

بن تحول و خضوع انسان در مقابل پروردگار هم آیه ۳ است. این نیز انسان را به پایگاه محکمی مؤمن می‌کند و از سویی می‌داند که هر کاری را نمی‌تواند انجام دهد.

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

آیات عجیبی است. اشاره دارد به رانده شدن ابلیس. وقتی شیطان رانده شد قسم خورد که همه را گمراه کند بنابراین بن هر گمراهی در زندگی انسان نتیجه رفاقتی با ابلیس و همراهی با او است. به همین دلیل در جاهایی که کار زشت و گناه رقم می‌خورد، شریک او ابلیس است و اگر انسان این را بداند، از هر گناهی بدش می‌آید. مثلاً بگویند غیبت کردن، تو را با ابلیس شریک می‌کند! مثل اینکه بگویند تو با جنایتکارترین فرد روزگار همراه و همراستایی و در حال اطاعت او هستی.

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لَنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

بن کاری که منجر به قرار گرفتن در حریم امن می‌شود و انسان را از حیطة سحر و فریب شیطان خارج می‌کند، آیه ۲۱ است و به عنوان یک حرز می‌توان از آن استفاده کرد. ابلیس قدرت این را ندارد که روی عده‌ای سیطره داشته باشد و آنها را به تبدیل وضعیت و دگرگونی وادار کند. سلطه ندارد، سلطان از باید و نباید شروع می‌شود و هر قدرتی را شامل می‌شود.

می‌فرماید اگر ابلیس را قرار داده‌ایم، برای این بوده است که مشخص شود چه کسی ایمان به آخرت دارد. پس کسی که ایمان به آخرت را از خود اظهار کند، شیطان بر او سلطه‌ای ندارد و کسی که به آخرت یقین ندارد و به آن

با عنوان یک گزاره تعریف شده قطعی رجوع نمی کند و به عنوان یک گزاره یقینی با آن برخورد نمی کند و نسبت به آن دچار شک است، سلطان شیطان بر او اعمال می شود.

ابلیس را بر آنان هیچ تسلطی نبود مگر اینکه می خواستند کسانی را که به آخرت ایمان دارند از کسانی که درباره آن تردید دارند یعنی به عنوان یک گزاره قطعی و یقینی قبول ندارند، متمایز شود.

علت تغییر خطابها به دلیل بیان بن هاست که با سایر بیانهای قرآن متفاوت می شود.

آیات ۲۲ تا ۲۸ مربوط به کسانی است که غیر خدا را در زندگی شان دخالت می دهند و از آنها درخواست دارند. در واقع این موارد مجموعه ای از احتجاجات است که به عیب یابی افراد می پردازد.

قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

این آیه کسانی را می گوید که برای غیر خدا شأنیت قائل هستند، خواندن غیر خدا.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

آیه مربوط به وسائط است. وسائط مفهوم وسیعی دارد. وساطت می کنیم برای انجام کاری. این وساطت را شفاعت می گویند. شفع دو نفر شدن و همراه کردن است. شفاعت مفهوم عامی است و استفاده از ابزار و غیب مثل ملائکه یا شخص را شامل می شود. استفاده از جن نیز جزء شفاعت قرار می گیرد. برای اینکه پیاده به خانه بروید، شفیع شما کفش است و در حالتی که با ماشین بخواهید بروید، شفیع شما می شود ماشین. **شفاعت** یاری کردن برای رسیدن به مقصدی است در حالیکه اگر خود فرد قرار بود به تنهایی خودش این کار را انجام دهد، امکانش نبود یا برایش سخت بود. ممکن است امکانات باشد یا یک مسیر و راه باشد مانند زمانی می خواهید در چیزی را باز کنید و حتما به وسیله ای نیاز دارید. در دنیا انسان با این مسئله خیلی درگیر است و از مشکلاتش نیز چگونگی برخورد با این شفاعت چه در دنیا و چه در آخرت است. خیلی از مواقف انسان به بن بست می خورد، چون شفیع را پیدا نکرده است. این موضوع از دغدغه های مهم انسان در عالم است.

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

رزق عامل حیات و دارای مفهوم وسیعی است. اگر هوا به شما نرسد، زنده نمی‌مانید. طعام بیشتر ذائقه‌ای و اختصاصی است اما خیلی چیزها رزق است و ما از هر صد تا رزق، یکی را هم متوجه نمی‌شویم که رزق است! جنس رزق از رحمت است و با حیات مرتبط است.

قُلْ لَا تَسْئَلُونَنَا عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

این آیه در مورد عمل است. هر بروزی که بر روی زمین دارید، اسمش عمل است. خواندن و شفیع گرفتن و رزق داشتن و ابراز داشتن که در خودش یک چرخه ایجاد می‌کند.

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

این آیه مربوط به گشایش است و مربوط به مقصدها است. باز شدن قفل‌ها و رسیدن به مقاصد است.

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

این آیه راجع به الحاق است. راجع به شرک است و گزاره‌های ذهنی یا ذهنیت‌هایی که نسبت به هستی دارد. نوع ادراک فرد است نسبت به اثر و فاعل.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

این آیه مربوط به رسول است که از سوی خدا آمده تا انسان را از انحرافات نجات دهد.

بررسی بن زندگی و آسیب‌های وارد از ناحیه آنها

تا اینجا در این آیات دو مدل عبرت را مطرح کرده است؛ یکی زندگی حضرت سلیمان (علیه السلام) و دیگری از بین رفتن اقوام. بعد از آن به سراغ احتجاج‌هایی می‌رود که منجر به هدایت انسان می‌شود:

۱. ابلیس و چگونگی تحت سلطه او قرار نگرفتن. انسان روی زمین هبوط کرده است و قضا‌های رانده شده نیز وجود دارد. در این قضا‌های حتمی، انحراف و نجات و حفظ نیز وجود دارد. اول قضا‌های رانده شده است. قضا‌های رانده شده یعنی اراده خدا برای آمدن ما روی زمین و هدف خلقت را به همراه قضا‌های رانده شده، مطرح می‌کند. در آیات هدف از خلقت، ایمان به آخرت ذکر می‌شود. «یومن بالآخره» یعنی اینکه ایمان به آخرت را

از خود ابراز می‌کند و معلوم می‌کند و رفتارهایش تجلی ایمان به آخرت است. تجلی اعتماد داشتن به حقیقتی است.

۲. در این زندگی دعا خیلی مهم است و انسان مالکیتی جزء دعا ندارد و اصلاح یا انحراف آن اهمیت دارد.

۳. شفاعت و بهره‌گیری از اسباب.

۴. رزق و حیات

۵. بروز یا به فعلیت رسیدن، به جلوه در آمدن

۶. مقصد

۷. گزاره‌های ذهنی و ادراکی و نوع دیدن و جهان‌بینی‌ها و مشاهدات

۸. واسطه‌ای از غیب برای هدایت به نام رسول

رابطه بین این موارد خیلی جالب است. تعیین روابط خیلی مهم است. انسان در رابطه با این موارد انحرافات پیدا می‌کند که بن‌آنها را در این آیات مشخص می‌کند. اگر به انسان بگویید که خالص زندگی یک انسان چیست و بینم بن آن چیست، این هشت مورد را می‌گوید. بیان انحرافات بن‌ها، خیلی اهمیت دارد. هر کسی خود را در این هشت مورد بررسی کند و ایرادهایش را پیدا کند.

۱. در قضا‌های رانده شده، مشکلی که انسان پیدا می‌کند این است که مشکلات و مسائل و بلاها را از سر تصادف، بیهوده و پوچ می‌پندارد. در حالیکه هر کدام از این مسائل برای این بوده است که در خوشی و سختی، ایمان به آخرت را اظهار کند. البته شیطان و ابلیسی در این بین است که دشمن توست که باید با او مبارزه کنی. اصل هوشیاری که خودش محل بحث بسیاری است. بنابراین اولین آسیب این است که انسان حوادث و رخداد‌های این عالم را، در مسیر اظهار ایمان به آخرت خودش نداند و از آن استفاده نکند. ایمان به آخرت یعنی اینکه هر کار خوبی که انجام می‌دهد، بداند خدا آن را نگه می‌دارد؛ چه کسی آن را ببیند و چه کسی نبیند. برای کار بد نیز همین است و اعتقاد دارد، عالم قاعده دارد.

۲. آسیب دوم در حوزه دعا این است که انسان منبع لایزال و حقیقت هستی را نبیند و خواستش را معطوف غیر خدا کند و فکر کند در این عالم محور عطایی غیر خدا وجود دارد. نشانه این آسیب تبعیت از غیر خدا در بایدها و نبایدهاست. انسان باید در هر کاری که می‌کند، تابع باید و نبایدهای خدا باشد. اگر تابع باید و نباید

خدا نباشد، یعنی باید و نبایدش را از غیر خدا گرفته است و برای عالم، محوری غیر خدا در نظر گرفته است و البته این مربوط به دعاست و نه در خلق. این شد آسیب دعا و انحراف در دعا که آسیب توحید است.

دعا یعنی طلب کردن به شکل باید و نباید است. اگر محور خواهش فرد از خدا به غیر خدا بچرخد یعنی باید و نبایدی از غیر طلب کرده است و برای آن مالکیت قرار داده است. هر کسی که باید و نباید می کند، باید کسی باشد! کاره‌ای باشد، باید ملکی باشد، باید اعتباری داشته باشد، هر چند ممکن است انسان خود را به بی همه کسی بفروشد! اما در هر حال باید اعتباری داشته باشد. تو برای شیطان اعتبار قائل می شوی و این زشت است. تو در ملک خدایی و ملک و مالک و رب و اله تو، خداست.

خیلی وقت‌ها انسان گناهی می کند و می گوید نشد! و انجام دادم. خیلی از گناهایی که انسان‌ها مرتکب می شوند بالاخص اگر ابتدا به ساکن باشد، نتیجه رودربایستی ماندن‌هاست. مگر چقدر می توان آن دیگری را کسی فرض کرد، که به خاطر او امر خدا را نادیده گرفت؟! ابلیس، مردم و منظر مردم را بزرگ جلوه می دهد. انسان از هیچ، همه چیز درست می کند. این انحراف در دعا است.

۳. انحراف در اسباب، تعطیلی و عدم استفاده از اسباب به بهانه اسباب، انحراف است. تعطیلی اسباب انحراف است. ما فکر می کردیم استفاده از اسباب یعنی از غیر خدا خواستن، در حالیکه خدا نظام شفاعت قرار داده است. برای زنده ماندن، باید غذا بخوری و کار کنی. نظام شفاعت باید استفاده شود اما این موضوع قاعده‌ای دارد. آلوده کردن نظام اسباب یعنی در جایی که نباید از سببی استفاده کنی، استفاده کنی و در جایی که باید از سببی استفاده کنی، استفاده نکنی. بنابراین انحراف در این حوزه می شود تعطیلی اسباب یا پرداختن بیش از حد به اسباب. کارهایی باید انجام داد و از اسبابی باید استفاده کرد. انحراف در شفاعت، افراط و تفریط در استفاده از اسباب است.

پاک‌سازی یک جامعه از اسباب، طهارت یک جامعه است. تعطیلی اسباب خیلی خطرناک است. یکی از دلایل عقب ماندن ما در حوزه‌های زندگی از نظر وضعیت معیشت اقتصادی، تقصیر خودمان است و هیچ ربطی به مقدرات الهی ندارد و به دلیل عدم استفاده ما از اسباب است. جامعه‌ای که از علمش استفاده نمی کند، چوب خواهد خورد. انحراف در اینجا انحراف در استفاده از علم و عدم تبدیل آن به عملیات عمرانی است.

استفاده از تکنولوژی آموزشی را باید آموخت. در استفاده درست از اسباب، همیشه شیطان مانع است. در جای دیگر آنقدر به آن می‌پردازیم که حد و حساب ندارد! این موضوع خیلی اهمیت دارد. بن بدبختی یک مملکت از یک سو تعطیلی اسباب و از سوی دیگر قرار دادن مبنای غیر الهی در خواست خود است. دنیا، دنیای نظام اسباب است. برای علم یافتن باید به دنبال عالمش رفت و نباید سبب‌ها را نادیده گرفت. توجه به اسباب عین عبودیت است و انسان را نسبت به کسی که علم دارد، خاضع و خاشع می‌کند.

۴. طبق آیه ۲۴ اختلال در رزق، ضیق و وسعت آن است. خاصیت رزق این است که وسعت آن به معنای داشتن مراتب حیات است و ضیق آن به معنای از دست دادن مراتب است. کاری می‌کند که حیاتش را از دست می‌دهد. می‌گویند هر کسی که گناه می‌کند، پرده‌ای از عقلش را از دست می‌دهد به گونه‌ای که قابل جبران نیست. روایت است. یک مرتبه حیات را از دست می‌دهد. رزق یعنی اینکه انسان خوش باشد. نشانه رزق، وسعت است. باسط الید بودن، بخل نداشتن، عطا کردن و خیرات را برای همه خواستن است. اگر شیعه‌ای هدایت همه انسان‌ها را نخواهد، رزقش به امیرالمومنین (علیه السلام) نرفته است. رزق امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) یعنی من هدایت همه دنیا را می‌خواهم و به اندازه آن تلاش می‌کنم. اختلال رزق، بخل و عدم اعطا است. هدایت همه عالم باید در وسعت دیدمان باشد. ما بچه شیعه هستیم و بچه شیعه به صورت تصنعی هم که شده به رزق پدرش نگاه می‌کند و نه به رزق جیب خودش! امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) بناست بیایند تا حاکمیت کل عالم را داشته باشند، نه فقط ایران.

نشانه وسعت رزق، وسعت دید و وسعت عطا است. اختلال در رزق، به نداشتن شام شب و کمی حقوق نیست، اینها را ضیق رزق نمی‌گوییم! ضیق رزق به نداشتن دل خوش و بخل داشتن است یعنی دریافتش از حیات کم است. این مطالب دارای آیات است. مراقب باشید رزق ما تنگ نشود. اگر اینگونه باشد، شادی و نشاط فرد دائما بیشتر می‌شود.

در طبع این دنیا مشکلات وجود دارد، او این را به عنوان رزق می‌بیند و این وسعت ایجاد می‌کند. ناملايمات برای انسان در جهت شکوفایی اوست و هر عاملی که می‌آید تا او را به در بسته برساند، لایه‌ای از تفکرات او شکوفا می‌شود که اگر فکر نکند، پشت درهای بسته می‌ماند.

رویت را باید تقویت کرد. مسائل اقتصادی در حکومت اینگونه نیست که مردم باید با آن بسازند، بلکه برای شکوفا شدنشان باید در مسائل حکومتی از امکانات و اسباب استفاده کرد، تا مردم را از ناملايمات خارج کنند.

مشکل انسان، شرک است. شرک به معنای به هم ریختگی است. به هم ریختگی ساختارهای درونی را شرک گویند. شفاعت را می‌برد جای دعا و دعا را جای شفاعت و این ساختار بر هم ریخته را شرک می‌گویند. در هر انسانی همه این موارد هست، فقط چینش آن اشتباه است و دچار ظلم است و فاقد عدل.

اصل رزق، ذکر است. وقتی اعراض از ذکر باشد، معیشت ضنک می‌شود.

هر کسی در زندگی به مشکلی برخورد کرد این مشکل یا به واسطه ابتلا است یا به واسطه گناه. از کجا بدانیم کدام است؟ باید اول دید که گناه است یا خیر. یک دوست یا پدر و مادر می‌تواند عیب و مشکل را به ما بگویند. مومن، مرأت مومن است. خوش اخلاقی با تواضع، راس همه خیرات است. جذب کننده است و اگر ایراد هم داشته باشم، همکارم به من می‌گوید چه مشکلی دارم. گفتگوی ما در مورد رزق اینگونه است، بحث پول و درآمد نیست. خوش اخلاقی اگر باشد، دیگران را با تو مرتبط می‌کند. آنها را متمایل به گفتگو با تو خواهد کرد. احساس بیگانگی ندارند. «الْبَشَاشَةُ حِبَالُهُ الْمَوَدَّةُ». این‌ها می‌شوند غیب‌های عالم.

۵. آیه ۲۵ در مورد عمل است. باید باور کنیم، هر چیزی بر مبنای عمل است. حتی وقتی علم هم بدست می‌آوریم و کار خیالی هم انجام می‌دهیم، در حال انجام عملی هستیم. اختلال عمل این است که مجرمانه باشد. وقتی انسان به عمل می‌رسد، استحقاق پاداش پیدا می‌کند یا عقوبت. هر جایی گفتند عقوبت، به اختلال در عمل باز می‌گردد.

۶. آیه ۲۶: رسیدن به خدا؛ همه به خدا می‌رسند اما گروهی با وجوه «ضاحکه مستبشره» می‌رسند و برخی با وجوه «غبره» و برخی حالت فتح و ظفر دارند. فتح، کلمه لقاء قرآن است. فتح در قرآن نزدیک‌ترین کلمه به لقاء است. بالاترین گشایش برای انسان، رسیدن به قرب و بر طرف شدن بُعدش از خداست. اختلال در مقصد این است که فرد در مورد گشایش‌ها اشتباه فکر کند. ذکر خدا، فتح است و ذکر غیر خدا، ضیق است. انسان در حوزه گشایش و در باز شدن‌ها؛ به اختلال می‌خورد.

اختلال در فتح، گم کردن در خانه درست است. چه چیزهایی فتح است و چه چیزهایی فتح نیست؟ مثلاً در دریافت مدرک دانشگاهی، کار بلد بودن می‌تواند مقصد مدرک گرفتن باشد اما با مدرک این سو و آن سو رفتن برای گرفتن پست، مقصدی اشتباه است. طبق آیه ۲۶ باید دید فتح مجاهد چیست. همین که وارد جهاد شوی، برنده هستی و این فتح است.

۷. آیه ۲۷؛ اختلال در ادراکات ذهنی، گزاره‌ها و تعاریف نابجایی که به حقیقت نسبت می‌دهد و در واقع ناحق‌ایق جاری در ادراکات است. این اختلال با عزیز حکیم در ارتباط است. عزیز حکیم، عزت همراه با حکم، به آیه سوره فاطر مربوط می‌شود.^۱ اختلال در آیه ۲۷ ناهنجاری در گزاره‌های حق است. مثل اینکه می‌گویند باید حقات را به زور هم که شده بگیری! تعاریف اشتباهی که در جامعه رایج شده است که این گزاره‌ها و تعاریف را به اسم فطرت به خدا نسبت می‌دهد. برای این اختلال، هر کسی گزاره‌های ذهنی‌اش را به حکمت‌های نهج البلاغه ارجاع دهد تا آن‌ها را اصلاح کند.

۸. آیه ۲۸؛ اختلال در رسول داشتن؛ رسول داشتن یعنی اینکه باید بپذیریم، که خدا ما را در هیچ یک از لحظات زندگی بدون دستگیری و بدون امر و نهی قرار نداده است. اختلال در این حوزه می‌شود اینکه انسان به فطرت درونش رجوع نکند.

این سوره خیلی سوره عجیب و ثقیلی است و اگر کسی بخواهد تمرین تفکر بنیادی را داشته باشد، جای آن در این سوره است.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات

^۱ سوره مبارکه فاطر آیه ۱۰: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أَوْلَئِكَ هُوَ يُبَوَّرُ